

تحلیل رابطه‌ی هویت ملی و پایداری به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه کلانشهر شیراز)

* فرود قایدگیوی

E-mail: foroodgh@yahoo.com

** منصور حقیقتیان

E-mail: mansour_haghighatian@yahoo.com

*** شاپور بهیان

E-mail: sbehyan@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۳۰

چکیده

یکی از ابعاد مهم شهروندی، فرهنگ شهروندی است. ایجاد، گسترش و تعمیق فرهنگ و اخلاقیات شهروندی می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل شهری و اجتماعی باشد که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه‌اند. در این راستا هدف این پژوهش بررسی ارتباط هویت ملی و فرهنگ شهروندی است. در زمینه‌ی فرهنگ شهروندی، شش مؤلفه‌ی، مشارکت‌جویی، رفتارهای مدنی، عام‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، نوع‌دوستی، گرایش به پیروی از قانون، برای سنجش این مفهوم در نظر گرفته شد. روش پژوهش به شیوه‌ی پیمایشی طراحی شد. از شیوه‌ی نمونه‌گیری احتمالی متناسب با حجم و نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد، که در آن ۶۲۵ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال کلانشهر شیراز مشارکت داشتند. در این نوشتار به دنبال ارتباط بین هویت ملی و ابعاد آن، هویت اجتماعی، هویت سیاسی، هویت فرهنگی، هویت تاریخی، هویت زبانی، هویت جغرافیایی، هویت دینی، به‌عنوان متغیرهای مستقل و پایداری به فرهنگ شهروندی به‌عنوان متغیر وابسته پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین هویت ملی (۰/۴۷۹) و ابعاد آن هویت اجتماعی (۰/۴۰۹)، هویت سیاسی (۰/۴۰۸)، هویت فرهنگی (۰/۴۴۶)، هویت تاریخی (۰/۳۸۲)، هویت جغرافیایی (۰/۳۸۶)، هویت دینی (۰/۳۷۰) و هویت زبانی (۰/۲۵۷) با پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه معنادار و مثبت و مستقیم وجود دارد.

کلید واژه‌ها: شهروندی فرهنگ شهروندی، هویت ملی، کلان شهر شیراز.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، نویسنده‌ی مسؤول

*** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه

مقدمه و طرح مسئله

مطالعه علمی شهروندی و فرهنگ شهروندی به مثابه نوعی فرآیند از قرن ۱۹ همگام با جوامع مدنی و دولت‌های ملی شکل گرفته است. این پدیده در دهه‌های اخیر از مهم‌ترین مسائل اجتماعی معاصر است. در این روند «شهروند و فرهنگ شهروندی» از پویاترین مفاهیم اجتماعی و فرهنگی دنیای مدرن تلقی شده است؛ یا به عبارت دیگر باید گفت که اساس جامعه مدنی بر محور نهادهای اجتماعی نظام شهروندی و فرهنگ حاکم بر آن شکل گرفته است. از این رو شالوده‌های اصلی جامعه مدنی به مثابه نظام سیاسی و اجتماعی را نهادهای شهروندی مثل نهاد قانون‌گذاری، نهاد نظام حاکمیت سیاسی مردم بر مردم در قالب نظام‌های دموکراسی می‌سازند (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۶۸). منظور از فرهنگ شهروندی در مقاله حاضر، در تعریفی جامعی که یونسکو ارائه می‌دهد نهفته است «مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نگرش‌ها قوانین مشترک بنیادی که دربردارنده‌ی احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و هم‌چنین تشخیص حقوق و تعهدهای شهروندی است» (یونسکو، ۲۰۰۴: ۵). جانوسکی (۱۹۹۸) فرهنگ شهروندی از عوامل متعدد تاریخی، اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد. اما برای شکل‌گیری فرهنگ شهروندی نیاز به سه عنصر آرمانی است که یکی شهروند فعال (در عرصه خصوصی) دیگری سازمان کارا و اثر بخش (در عرصه عمومی) و سوم حاکمیت خوب (در عرصه دولت) است (اذانی، ۱۳۹۰: ۸). رعایت فرهنگ شهروندی در افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتمادپذیری، تعهد مدنی مؤثر است؛ در حوزه فرهنگ شهروندی باید به مجموعه‌ای از پارامترها و متغیرهایی اشاره کرد که جزو کلیدواژه‌های اصلی فرهنگ شهروندی‌اند. این مفاهیم کلیدی همان مسئولیت‌پذیری شهری قانونمند بودن شهروندان، مشارکت اجتماعی و هنجارپذیری از الگوهای شهری است (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۰). به‌علاوه از آن‌جا که مفهوم شهروندی می‌تواند در جامعه، چارچوب نظری را برای دستیابی به اشتراک نظر و توافق متحدساز، و ائتلاف گروه‌ها، جریان‌ها و طبقه‌های مختلف اجتماعی فراهم آورد، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای ایجاد و تثبیت مبانی همبستگی ملی دارد. این چارچوب که ماهیتی تجمعی - ائتلافی دارد، از این ظرفیت برخوردار است که با همبسته و یکپارچه ساختن هویت ذیل اصل همبستگی اجتماعی در درون دولت ملی، به چشم‌اندازهای ملی نظیر مشارکت سیاسی، تعلق ملی و هویت ملی معنا بخشد (نوری، ۱۳۸۸: ۳۳) از جمله عوامل مرتبط با فرهنگ شهروندی

هویت افراد است. در رویکرد جامعه‌شناختی به هویت بیشتر بر مفهوم رفتار مبتنی بر نقش تأکید می‌شود که مفهوم هویت از تأمل میان یادگیری نقش اجتماعی و تجربه شخصی برمی‌خیزد و فرآیندی است که در آن شخص با جامعه در سطح وسیعی از معنای هویت، جهت احراز و به رسمیت شناخته شدن به مذاکره می‌پردازد که در مرحله بعد این گفت‌وگوها بین گروهی می‌شود (سلیمان، ۱۳۹۶: ۱۳۳). هویت ملی یکی از انواع هویت‌های اجتماعی است که به معنایی می‌توان آن را فراگیرترین و کلی‌ترین هویت در سطح نظام‌های اجتماعی دانست و به همین جهت در مقایسه با دیگر هویت‌های جمعی اهمیت ویژه‌ای دارد. مفهوم هویت ملی به مثابه پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی زاده‌ی عصر جدید است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. اما به‌عنوان مفهومی علمی از ساخته‌های علوم اجتماعی است که از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به جای «خلق و خوی» و «خصیصه‌ی ملی» رو به گسترش نهاده است (میرمحمدی، ۱۳۸۲: ۷). هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح احساس تعلق خاطر مشترک و یک کشور به‌عنوان یک واحد سیاسی است (صنیع‌اجلال، ۱۳۸۴: ۱۰۴). از دیدگاه چلبی «احساس تعهد افراد به اجتماع ملی یا ملی به افراد هویت جمعی می‌بخشد» به عبارت دیگر، هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهم‌ترین عناصر نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارت از «سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت» است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷). هویت ملی در تعریف به‌عنوان احساس تعلق و تعهد افراد نسبت به «اجتماع جامعه‌ای» (ملی) است. هویت ملی افراد در حقیقت، ناشی از داشتن نوعی منشاء مشترک و احساس تعلق به آن و نیز امیدواری به آینده‌ای مشترک است (حاجیان، ۱۳۷۶: ۱۷۹). «آنتونی اسمیت» تعبیر جالبی را در خصوص هویت ملی به کار می‌برد و آن را «بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نهادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و یا عنصر فرهنگی امکان‌پذیر است». تشکیل هویت ملی بر مبنای تشکیل اجتماع ملی است، اجتماعی که افراد تشکیل دهنده‌ی آن خود را عضو و به معنایی «شهروند» آن جامعه بدانند. شهروندی نیز خود

متضمن مسؤولیت، تعهد، عاطفه و باور است. احساس تعلق افراد یک جامعه نسبت به تاریخ، مذهب، آداب و رسوم، مفاخر و ارزش‌های یک جامعه باعث ایجاد انسجام اجتماعی شده که این امر مقاومت جامعه در برابر آسیب‌ها و مسایل متعدد را افزایش داده و در عین حال پذیرش سختی‌ها و تحمل اجتماعی را بالا خواهد برد. با نگاهی به جهان معاصر و تعاملات اجتماعی پیچیده بین انسان‌ها، ضرورت پرداختن به مقوله فرهنگ شهروندی را بیش از پیش بارز ساخته است. امروزه، وجود افرادی با ویژگی‌هایی چون مسؤولیت‌پذیری، انتقادگری، وطن‌دوستی و خلاصه در یک کلام شهروندی مسؤول، از مؤلفه‌های حیاتی و با اهمیت است. اهمیت این عوامل تا آنجاست که بسیاری از استراتژیست‌های جامعه، فقدان چنین عواملی را مهم‌ترین دلیل اجرایی نشدن برنامه‌ها و طرح‌هایی می‌دانند که با کارشناسی‌ها و دقت‌نظرهای بسیاری تدوین شده است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸: ۳). بر این مبنای احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل دهنده فرد است که با ارجاع به مفهوم شهروندی و مؤلفه‌های آن می‌توان آن را شناسایی کرد بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی تأثیر ابعاد هویت ملی بر پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان مسئله‌ای مهم است در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که آیا بین هویت ملی و پایداری به فرهنگ شهروندی در کلان شهر شیراز ارتباط وجود دارد؟

سؤالات فرعی

- آیا بین هویت اجتماعی و پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین هویت سیاسی و پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین هویت تاریخی و پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین هویت فرهنگی و پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین هویت جغرافیایی و پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین هویت دینی و پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد؟
- آیا بین هویت زبانی و پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد؟

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

جدول شماره‌ی ۱: تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای وابسته تحقیق

عنوان متغیر	تعریف	شاخص‌های متغیر (معرف‌ها)، گویه‌ها
حوزه فرهنگ شهروندی (متغیر وابسته)	مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵).	تا چه اندازه حاضرید خود را برای انتخاب شدن در شورای محل نامزد کنید؟ تا چه اندازه حاضرید وظیفه پیگیری و مراجعه به ادارات را برای آسفالت محل یا تأمین روشنایی خیابان و موارد مشابه را برعهده بگیرید. تا چه اندازه حاضرید در انتخابات شورای شهر شرکت کنید و به نامزدها رأی بدهید؟
	به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که هر یک از شهروندان می‌توانند در مناسبات اجتماعی خود و در ارتباط با محیط بیرونی و در فضاهای عمومی شهر از خود بروز دهند	رعایت حقوق فرد پیاده. توجه به حقوق دیگران. رعایت حق تقدم هنگام ایستادن در صف. عبور نکردن از چراغ قرمز. عبور نکردن از خیابان‌های یکطرفه در هنگام رانندگی حفاظت از درختان و فضای سبز.
	عام‌گرایی به‌طور کلی به معنای توجه به ضوابط، مقررات و شرایطی است که تضمین‌کننده‌ی منافع و مصالح عمومی است. در یک فرهنگ عام‌گرا روابط شخصی و غیررسمی مهمتر از قواعد و ضوابط نمی‌باشند و ارزش‌های جامعه مهمتر از منافع و خواست‌های فردی، قومی و قبیله‌ای است (میرفردی، ۱۳۸۸).	اگر احیاناً یک دفتر کار بزنید و بخواهید افرادی را استخدام کنید تا چه اندازه امکان دارد اول دوستان و آشنایان را استخدام کنید بعد غریبه‌ها را؟ اگر احیاناً در اداره‌ای کار می‌کنید و کار ضروری برای یکی از دوستان شما پیش بیاید تا چه اندازه احتمال دارد کار او را خارج از نوبت راه بیندازید؟

<p>با کمک کردن به دیگران می‌توان دین خود را به جامعه ادا کرد. هر کس در قبال رفتارهای اعضای خانواده خود مسؤول است. هر کس موظف است که مشکلات شهر یا محل خود را به مسؤولان ذریبط اطلاع دهد. هر کس وظیفه دارد تا جایی که می‌تواند کارش را به بهترین نحو انجام دهد.</p>	<p>مسؤولیت‌پذیری اجتماعی بر حس عاطفی ارتباط با دیگران در اجتماع (همدلی) دلالت داشته و مهمتر از آن نشانگر احساس مسؤولیت‌پذیری در قبال دیگر افراد جامعه است. افرادی که خود را به لحاظ مدنی مسؤول می‌دانند خود را عضوی از ساخت اجتماعی بزرگتر در نظر گرفته و بنابراین دست‌کم، مسائل اجتماعی را مسائل و مشکلات خود تلقی می‌کنند (هیروئیموس - وانت و ابرت والاس، ۲۰۰۹).</p>	<p>مسئولیت‌پذیری اجتماعی</p>
<p>همه مردم باید از قانون پیروی کرده و به آن احترام بگذارند. تخطی از قانون به هیچ وجه قابل توجیه نیست و بنابراین باید خاطیان کیفر داده شوند. قانون‌شکنان باید همیشه تحت تعقیب بوده و مجازات شوند.</p>	<p>قانون‌گرایی عبارت است از رعایت هنجارهای رسمی در برآورده کردن انتظارات فردی یا گروهی از طریق حق‌شناسی، قانع بودن به حقوق خویش و عدم تعرض به مصالح گروهی و اجتماعی (صمدی، ۱۳۸۲).</p>	<p>قانون‌گرایی</p>
<p>اگر بینم کسی حالش به هم خورده و بزمین افتاده بالای سرش می‌روم. اگر کسی آدرس یا مسیری از من بپرسد به‌طور دقیق راهنمایی‌اش می‌کنم. حاضرم به خاطر نیازمندان، خون اهداء کنم. اگر در صف باشم و بینم کسی خیلی عجله دارد جایم را به او می‌دهم. اگر کارمند بانک به اشتباه مقداری زیاده پول به من بدهد آنرا برمی‌گردانم.</p>	<p>نوع دوستی اساساً بیانگر رفتاری است که هدف آن نفع‌رسانی به دیگران است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳).</p>	<p>نوع دوستی</p>

فرهنگ شهروندی: شهروندی مقوله‌ای درباره‌ی عملکرد افراد است به گونه‌ای که در یک جامعه‌ی دموکراتیک بتوانند در محیط خود و محیط اجتماعی دیگران اثرگذار باشند (برن، ۱۹۶۶ به نقل از کیشانی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴). فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، رفتارها و قواعد مشترک بنیادینی است که احساس تعلق به جامعه را در فرد بوجود آورده و احترام به میراث مشترک و به رسمیت‌شناسی حقوق و وظایف شهروندی را در فرد ایجاد می‌کند (همتی و احمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۲). برای سنجش فرهنگ شهروندی از شش مؤلفه زیر استفاده شده است. مشارکت مدنی / اجتماعی، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، عام‌گرایی، نوع‌دوستی، گرایش به

پیروی از قانون، رفتارهای مدنی در قالب ۲۹ گویه در طیف لیکرت و در سطح فاصله‌ای مورد سنج قرار گرفت.

هویت ملی: هویت ملی یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری و بقای جامعه‌ی ملی و اصلی‌ترین حلقه‌ی ارتباطی با هویت قومی است که می‌تواند مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت را نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌ساز در سطح کشور، به‌عنوان یک واحد سیاسی به وجود آورد (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۱۹۷). هویت ملی بالاترین و فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی جدا از گرایش‌های ایدئولوژیکی است (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۷۹). به‌عنوان متغیرهای مستقل این تحقیق که به معنای احساس سربلندی و تعلق خاطر نسبت به اجتماع ملی و مؤلفه‌های آن که شامل تاریخ، زبان، فرهنگ، نظام سیاسی، دین، قلمرو، سرزمین و اجتماع است. و ابعاد آن در هفت بُعد: اجتماعی ۶ گویه، تاریخی ۷ گویه، جغرافیایی ۵ گویه، سیاسی ۶ گویه، دینی ۵ گویه، فرهنگی ۵ گویه و زبانی ۴ گویه و در قالب ۳۸ گویه و در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول شماره ۲: تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای مستقل تحقیق

عنوان متغیر	تعریف	شاخص‌های متغیر (مؤلفه‌ها)، گویه‌ها
دوره‌های هویت ملی (متغیر مستقل)	روابط دوستانه و عاطفی اعضای جامعه نسبت به همدیگر و احساس تعهد و مسؤولیت هر فرد در مقابل دیگر اعضای جامعه	احساس مثبت یا منفی نسبت به دیگر اعضای جامعه، تمایل به برقراری ارتباط دوستی و کاری و خویشاوندی با آنان، ارزشمندبودن دیگران و حقوق آنان
	آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دل‌بستگی به آن و احساس هویت تاریخی و هم‌تاریخ‌پنداری پیوند دهنده‌ی نسل‌های مختلف	تعریف و تعیین دوره تاریخی ملت ایران، احساس تعلق به دوره‌های تاریخی، احساسات مثبت یا منفی نسبت به حوادث و وقایع و شخصیت‌های تاریخی و ملی
	نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ما ساکن یک کشور و سرزمین هستیم (محدوده و قلمرو و سرزمین مشترک و تعلق خاطر نسبت به آن)	نگرش (مثبت یا منفی) نسبت به آب و خاک، دل‌بستگی و تعلق به سرزمین ایران، آمادگی برای دفاع از سرزمین، ارجحیت زندگی در کشور خود به سایر نقاط

<p>ارزش‌گذاری به ساختارهای سیاسی گذشته، دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی، میزان وفاداری اعضای جامعه نسبت به نهادها، نظام حکومتی ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی و مرزهای کشور</p>	<p>مقبولیت دولت در میان اعضا و احساس تعلق افراد نسبت به نظام سیاسی و حکومت</p>	<p>هویت سیاسی</p>
<p>اعتقاد و تمایل به شخصیت‌های مذهبی، مناسک و آیین‌های مذهبی، ارجحیت دین و اعتقادات و شخصیت‌های دینی خود بر دیگر آیین‌های مذهبی</p>	<p>داشتن دین و تعالیم مذهبی مشترک و پایبندی و وفاداری به آن</p>	<p>هویت دینی</p>
<p>ارزش‌گذاری و قضاوت نسبت به میراث گذشته، اعتقاد نسبت به حفظ و تقویت میراث فرهنگی سنت‌ها، اعیاد، اسطوره‌ها، عرف‌ها، بناها و مناسک عام</p>	<p>دارا بودن میراث فرهنگی مشترک، گسترده و فراگیر که نشانه‌های تاریخ یک ملت باشند</p>	<p>هویت فرهنگی</p>
<p>احساس ارزشمندی زبان فارسی و تمایل به حفظ آن و مفتخر بودن به آثار ادبی</p>	<p>نظام معنایی مشترک میان افراد یک جامعه</p>	<p>هویت زبانی</p>

فرضیه اصلی

بین هویت ملی و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.

فرضیات فرعی

- بین هویت اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین هویت سیاسی و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین هویت تاریخی و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین هویت فرهنگی و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین هویت جغرافیایی و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین هویت دینی و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین هویت زبانی و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.

ملاحظات نظری تحقیق

نظریات فرهنگ شهروندی

از نظر دالگرن فرهنگ مدنی «یا به تعبیری فرهنگ شهروندی» یکی از پیش‌شرط‌های ضروری برای حوزه عمومی پایدار و از این‌رو عملکرد دموکراسی است. دالگرن نه به یک فرهنگ مدنی، بلکه به فرهنگ‌های مدنی باور دارد. به نظر وی فرهنگ مدنی به الگوهای فرهنگی دلالت دارد که در آن هویت‌های شهروندی و بنیان‌های عاملیت‌مندی جاگیر شده‌اند. به نظر دالگرن فرهنگ‌های مدنی متأثر از مجموعه‌ای از عوامل هستند که قطعاً خانواده و مدرسه در این میان اهمیت بنیادی دارند؛ پس از آنها دسته‌بندی‌های گروهی، روابط اجتماعی قدرت، اقتصاد، نظام حقوقی و ظرفیت‌های سازمانی و رسانه تأثیر خاص خود را دارند (دالگرن، ۲۰۰۳: ۱۰۶-۱۰۳). دالگرن فرهنگ مدنی را جریانی شش بُعدی از روابط متقابل در نظر می‌گیرد که به روش‌های گوناگونی بر همدیگر تأثیر می‌گذارند. این شش مؤلفه عبارتند از: آگاهی، ارزش‌ها، اعتماد، فضاها، کردارها و هویت‌ها. به گفته دالگرن، افراد جامعه باید از آنچه که در جامعه در حال رخ دادن است آگاه باشند تا قادر به مشارکت در فضای عمومی باشند. در نزد امیل دورکیم، عضویت اجتماعی شهری برای شهروندی متصور است این است که نوعی تعهد سیاسی عرفی و دنیوی نیز محسوب می‌شود. این نوع تعهد سیاسی مدرن نوعی هویت اجتماعی ملی است که در ضمن نقش یک چهارچوب اخلاقی را نیز ایفا می‌کند. این چهارچوب اخلاقی از یک هستی اجتماعی بزرگتر نظیر انسانیت گسترش پیدا می‌کند. نتایج نظری تئوری عضویت اجتماعی شهری دورکیم درباره شهروندی آشکارا چند خط تحلیل نظری برجسته را نشان می‌دهد که برای بدست آوردن مقوله‌ی کلیدی شهروندی در دیدگاه دورکیمی حائز اهمیت است. این خطوط تحلیل نظری که برگرفته از صورت‌بندی‌های نظری دورکیمی درباره جامعه‌شناسی شهری شهروندی، جامعه‌شناسی دینی شهروندی و جامعه‌شناسی اخلاقی شهروندی است. شهروندی را به‌عنوان یک هویت اجتماعی، ملی و انسانی بر مبنای هویت جهانی مدرن تلقی می‌کند. با توجه به آنچه که گفته شد می‌توان نشان داد که مقوله‌ی کلیدی شهروندی در نزد دورکیم نوعی «شهروندی شهری مدرن، عرفی، مدنی، سیاسی و اخلاقی» است که جایگزین و جانشین عضویت اجتماعی سنتی دینی است (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۳: ۳۶). پارسونز تعامل و رابطه میان نظام اجتماعی و نظام شخصیتی را منبعی برای ایجاد تنوع یا تعارض هویت‌های جمعی می‌داند. منظور وی از نظام اجتماعی برآیند ساختارهای اقتصادی،

سیاسی و فرهنگی غالب در هر جامعه است و نظام شخصیت نیز در حقیقت کلیتی روانی - اجتماعی است که منبع اصلی تفسیر موقعیت برای ایفای کنش و ارتباط متقابل فرد و جامعه است. در بعد روانی، شخصیت بیانگر ویژگی‌های فردی است که براساس آنها فرد خود را از دیگران جدا می‌سازد و در بعد اجتماعی هم بیانگر اشتراک در باورها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که فرد را با دیگران پیوند می‌دهند و کنش‌هایش را با آنان هم‌سو و هم‌جهت می‌سازند. دو نوع نظام شخصیتی عمده عبارتند از: نظام شخصیتی «خاص‌گرا» و نظام شخصیتی «عام‌گرا» (عبداللهی، ۱۳۷۴: ۷۰). در نظام شخصیتی خاص‌گرا، کنشگر اجتماعی در هنگام قضاوت درباره‌ی پدیده‌ی اجتماعی یا اشیاء به معیارها و ویژگی‌های خاصی توجه می‌کند و براساس آن کنش خود را شکل می‌دهد. درحالی‌که در نظام شخصیتی عام‌گرا کنشگر قضاوت خود را مبتنی بر ویژگی‌های عام و قابل تعمیم شکل می‌دهد (روشه، ۱۳۷۶: ۱۱۷). بر این اساس در تشکیل هویت‌های جمعی و احساس و تعلق افراد نسبت به این‌گونه هویت‌ها دیدگاهی عام‌گرا وجود دارد که مبتنی بر برخی ارزش‌ها و خصوصیات مشترک و عام بین افراد است که می‌توان از آن به فرهنگ شهروندی تعبیر کرد. جاناتان ترنر، شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی دانسته که به افراد در یک جامعه شهری، هویت رسمی و قانونی داده است و این حقوق و الزامات اجتماعی و قانونی ریشه تاریخی و تکاملی در سیر زندگی اجتماعی انسان دارد و باعث شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و قانونی یک جامعه شهری چون نظام قضایی، پارلمانی و دولت رفاه شده است. ترنر بر مبنای دیدگاه جامعه‌شناسی خود موضوع فرهنگ شهروندی را به نهادهای اجتماعی جامعه معطوف کرده که این نهادهای اجتماعی هرکدام بیان‌کننده نوع خاصی از حقوق شهروندی و الزاماتی است که شهروندان باید نسبت به آن حقوق در یک نظام سیاسی متعهد باشند فرهنگ شهروندی را تشریح می‌کند (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۴). ترنر براساس الگوی جامعه‌شناختی خود در حوز فرهنگ شهروندی و شکل‌گیری آن به ۴ منبع اساسی اشاره می‌کند. این چهار منبع شامل «هویت، حقوق، منابع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جماعت» است. این چهار مؤلفه در فرایند متقابل با فرهنگ شهروندی متعالی همراه است. او بر این عقیده است که شهروندی علاوه بر این‌که فرصت حقوقی فراهم می‌کند، یک نوع هویت فرهنگی خاص را نیز برای فرد و گروه ایجاد می‌کند؛ این همان مفهوم هویت سیاسی برای شهروندان یک جامعه است. جرارد

دلانتی (۱۹۹۷) چهارمدل از شهروندی را ارائه می‌کند. این چهار مدل چهار مؤلفه عضویت در یک اجتماع سیاسی یعنی حقوق، وظایف، مشارکت و هویت را دربرمی‌گیرند و هر یک از این مدل‌ها به ترتیب متناظر با یک رویکرد نظری و سنت ایدئولوژیکی یعنی لیبرالیسم، محافظه‌کاری، رادیکالیسم دموکراتیک و اجتماع‌گرایی است. از نظر اجتماع‌گرایان، شهروندی پیوند نزدیکی با فرهنگ و مخصوصاً با هویت ملی دارد. شهروندی در گفتمان اجتماع‌گرایی نهایتاً قابل تقلیل به ملیت است که به شهروندان احساسی از انسجام فرهنگی می‌دهد. تفکر اجتماع‌گرایی جایی بین تأکید محافظه‌کارانه بر ویژگی‌های فرهنگی و وظایف و برداشت‌های نئوجمهوری‌خواهان از دموکراسی مشارکتی قرار دارد. مؤلفه متمایز اجتماع‌گرایی برداشت آنها از سیاست شهروندان به مثابه اجتماع ملی است. اجتماع سیاسی از نظر اجتماع‌گرایان اجتماع گشوده‌ای نیست، بلکه بدواً به واسطه عضویت یک اجتماع فرهنگی تعریف می‌شود. در نظریه پوپر بر هویت مدنی در قالب مفهوم فرهنگ شهروندی تکیه شده است؛ وی معتقد است که در فرهنگ جامعه دموکراتیک و مدنی شهروندان، انسانی آزاد و مختار است که فقط در میان یک جمع زندگی نکرده است، بلکه با آن جمع که خود را شهروند آن فضای حاکم می‌دانند، یک جامعه را شکل می‌دهند و به وسیله‌ی پیوند با یکدیگر ارتباطات متنوعی دارند. به نظر او در فرهنگ شهروندی از شهرنشینی فاصله گرفته‌ایم و نوعی احساس را برای شهروندان یک جامعه ایجاد کرده‌ایم. وی عقیده دارد که مفهوم یا احساس شهروندی خود به خود به واسطه تجمع افراد در کنار یکدیگر ایجاد نمی‌شود، بلکه باید نهادهای متکفل این احساس را ایجاد کنند، نهادهایی مثل «انتخابات، تأمین اجتماعی، مالیات یا رسانه‌ها و غیره» می‌توانند چنین هویتی را ایجاد و همه این نهادها در یک جامعه‌ی سنتی یا در حال گذار با چنین هدفی باید هویت ضروری پیدا کنند و برای تحقق این مطلب، مراکز فرهنگی شهر مناسب‌ترین مؤسسه برای تمرین پذیرش فرهنگ شهروندی است؛ زیرا عضویت شهروندان اختیاری و داوطلبانه است و اجبار درونی و بیرونی وجود ندارد و در این مراکز منافع و علایق فردی باعث شده که شهروندان به این مراکز بپیوندند و حوزه فرهنگ شهروندی خود را تکمیل کنند. هم‌چنین این مراکز در حوزه‌ی فرهنگ شهروندی، شهروندان یک جامعه را برای اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری زندگی شهروندی آماده کنند و به‌صورت جمعی از شهروندان با گرایش و فعالیت خاص را به مشارکت اجتماعی مشغول می‌کند

و تا حدی گامی مؤثر در ایجاد حساسیت نسبت به مشکلات شهری و اجتماعی و ارائه الگوهای تازه برای حل اختلاف و شهروندان را در حیطه جامعه مدنی براساس ویژگی های جماعتی به فعالیت وادار کرده که این امر کمک شایانی به برخی از کارکردهای دولت چون تقویت هویت شهروندی و ملی می کند و در پایان فضاهای فرهنگی به گسترش بسته فیزیکی و فضای ذهنی آن در بین شهروندان کمک زیادی می کنند. پس تأکید بر فضاهای کالبدی شهر در حوزه فرهنگ شهروندی منجر به پاسخگویی به نیازهای شهروندان، ایجاد پیوندهای همبستگی تازه میان شهروندان در قالب های جدید شده که به نوعی به بازتولید فضاهای فرهنگی ممکن منجر می شود، بدین ترتیب احیا و تقویت های هویت شهری، مقدمه ای بر احیا و تقویت هویت مدنی است که باید مورد تأمل در حوزه فرهنگ شهروندی قرار گیرد (رحیمی، ۱۳۸۶: ۳۸).

نظریات هویت ملی

دیوید میلر (۱۳۸۳) هویت ملی را بخشی از هویت هر فرد می داند که به یک گروه بندی ملی تعلق دارد. در این بحث ملت ها واقعاً موجودند، یعنی موجودیت ساختگی و خیالی ندارند. افراد می دانند که به یک ملت تعلق دارند و این احساس تعلق، بخش جدایی ناپذیر وجود فرد است. به عقیده میلر «ملت ها اجتماعی اخلاقی هستند» (میلر، ۱۳۸۳: ۱۷). به این معنا که افراد در قبال هم ملیتی های خود وظایفی دارند. هویت ملی یا ملیت عبارتست از وجود یک فرهنگ عمومی مشترک. باید میان افراد عضو یک ملت این حس وجود داشته باشد که به واسطه ی ویژگی هایی که در آن سهیم هستند به یکدیگر تعلق دارند. یک فرهنگ عمومی شامل مجموعه ای از برداشت ها ست اعم از اصول سیاسی مانند باور به دموکراسی یا حاکمیت قانون و یا طیف گسترده ای از هنجارهای اجتماعی یا موارد خاص فرهنگی مانند مذهب یا تعهد به حفظ زبان ملی است (میلر، ۱۳۸۳: ۲۹). کاستلز (۱۳۸۰) هویت «عبارتست از فرایند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته ای از ویژگی های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می شود». براساس دیدگاه کاستلز هویت مفهومی است که «دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳). هویت ها معنایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می دهند و مردم به واسطه ی آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می شوند. مردم به دیگران می گویند چه کسی هستند و مهم تر این که به خودشان

نیز می‌گویند چه کسی هستند و سپس می‌کشند به گونه‌ای رفتار کنند که از آن کسی که تصور می‌کنند هستند، انتظار می‌رود» (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۵). چلبی (۱۳۸۱) معتقد است نظام اجتماع جامعه‌ای (اجتماع ملی) مبتنی بر روابط عاطفی است. کنش‌های افراد در این حوزه تابع احساس جمعی و تعهد نسبت به همدیگر است. با تولید احساس، انرژی عاطفی که منجر به حفظ همبستگی اجتماعی (همبستگی ملی) و تعهد اجتماعی می‌گردد فراهم می‌شود (چلبی، ۱۳۸۱: ۲۸). در نهایت تعریفی که چلبی از هویت جامعه‌ای (ملی) ارائه می‌دهد عبارتست از: احساس سربلندی و تعلق خاطر نسبت به اجتماع ملی مثل غرور و افتخار نسبت به زبان ملی، دین، وطن، آداب و مناسک ملی، مفاخر فرهنگی و سیاسی کشور، مردم و دولت ملی. سنت فرانسوی به معنای سنن و عناصری از آن است که تداوم یافته است و خاص یک نسل نیست. بر این اساس همین امر موجب احساس همبستگی افراد عضو یک اجتماع جامعه‌ای با پیشینیان و آیندگان آنها و حفظ همبستگی اجتماعی می‌شود. ساختار اجتماعی را نیز می‌توان بر مبنای ماهیت و معنای مفهوم «روابط امانتی» مشخص کرد (چلبی، ۱۳۸۱: ۲۵). اعضای جامعه بر اساس پیمان اجتماعی که با هم دارند روابطی با هم دارند و این پیمان آنان را متعهد می‌سازد که خود را در قبال همدیگر مسؤول و متعهد بدانند.

چارچوب نظری تحقیق

در سنت اجتماع‌گرایی افراد به لحاظ اخلاقی و منطقی بر اجتماع اولویت ندارند؛ چرا که بسیاری از نام و نشان‌های خود را از اجتماع کسب کرده، در اجتماع پرورش می‌یابند، آگاهی یافته و نقش‌هایی را که به لحاظ اجتماعی تعریف شده، انجام می‌دهند. در حقیقت، زندگی افراد و هویت آنان به‌عنوان شهروند، به دلیل بقاء و دوام اجتماع بوده و ضرورتاً هویت اجتماع بر هویت افراد ارجحیت دارد. در این تفکر، شهروندی به معنای عضویت کامل در اجتماع و عمل به تعهدات و وظایف است که در قالب مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه و حکومت تبلور می‌یابد، به گونه‌ای که افراد بدون اجبار و محدودیت با عمل به مسؤولیت اخلاقی و وظایف اجتماعی، منافع خود و اجتماع را دنبال می‌کنند. در این برداشت، شهروندی علاوه بر مشارکت فعال در زندگی سیاسی، دربردارنده‌ی انتظاراتی چون تعهد و وفاداری به کشور، ملت و دولت، دفاع از میهن، اطاعت از قوانین، تسامح و مدارا با دیگران و نظایر آن نیز هست (اولایلد، ۱۹۹۰؛ به نقل از نیازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶). شوارتز متال (۲۰۰۳) در دفاع از رویکرد

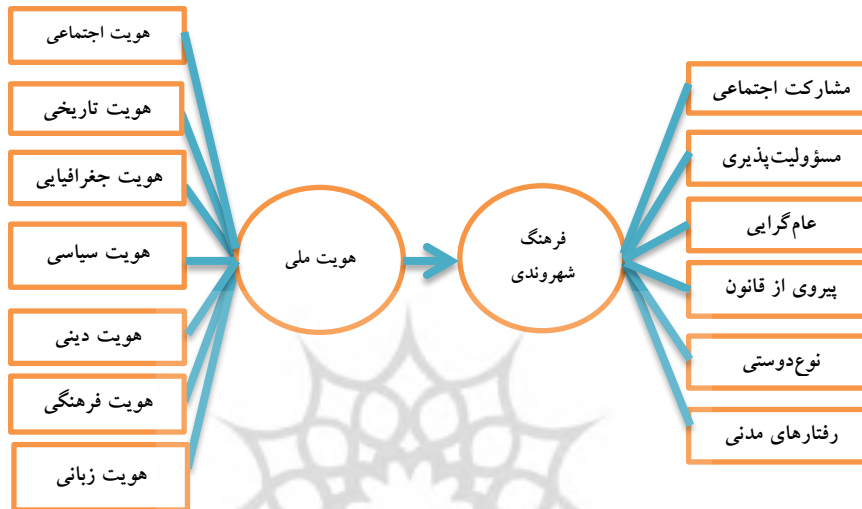
جمهوری خواهانه، آن را فراخوانی برای تقویت هویت مدنی و شهروندی مشترک می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که اگر چه هویت ملی در ایجاد احساسات مشترک سیاسی یکی از عوامل اساسی است، اما این ملی‌گرایی مدنی است که در ترغیب احساسات مربوط به شهروندی و هویت سیاسی مؤثر است. در این راستا وی با دعوت به تقویت سیاست‌های دموکراتیک در ایجاد نهادهای مدنی، احیای بستر مناسب جهت مشارکت افراد در جمهوری‌های جدید را توصیه می‌کند. برخلاف اجتماع‌گرایان، تفکر لیبرالیستی فردگرا است، افراد اولویت هستی‌شناسانه، شناخت‌شناسانه و اخلاقی دارند و به‌عنوان موجود خودمختار و عقلانی تعریف می‌شوند. هویت شهروندی در این رویکرد به این دلیل ارزشمند است که با اعطای حقوق به افراد، فضای لازم را برای دنبال کردن منافع فردی و آزادی‌های شخصی فراهم می‌آورد (نیازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶). شهروندی موقعیتی است که در آن بر حقوق فردی تأکید می‌شود و براساس آن جایگاه فرد در برابر دولت و سایر شهروندان تعریف می‌شود. این حقوق به افراد فرصت می‌دهد تا منافع شخصی خود را از طریق ابزارهای قانونی مثل انتخابات و... دنبال کنند. دیوید میلر در بحث از هویت ملی، بر باورها و ارزش‌هایی تأکید می‌کند که اغلب، در عمیق‌ترین لایه‌های اذهان اجتماعی پنهان هستند. وی عناصر تشکیل دهنده هویت ملی را مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی می‌داند که بدان «منش ملی» نام داده و ترجیح می‌دهد از آن به‌عنوان فرهنگ عمومی مشترکی یاد کند، که ارتباطات نزدیکی با فرهنگ شهروندی دارد (میلر، ۱۳۸۳: ۸۵). و هم‌چنین جامعه‌شناسان کلاسیک، به‌خصوص وبر، پارسونز و دورکیم، قایل به نوعی هویت عضویت و تعهد عقلایی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می‌شود و در نهایت، به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی می‌انجامد. دیدگاه این دسته از جامعه‌شناسان در مورد هویت مدنی جدید و احساس تعلق بیشتر به جامعه، می‌تواند برای طرح و تحلیل رابطه بین هویت ملی و فرهنگ شهروندی استفاده شود. در مجموع، آنچه از تعریف فرهنگ شهروندی به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی که دربردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و تشخیص حقوق و تعلقات شهروندی است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۶). بیانگر تعلق و تعهد به سازه‌ها و عناصر یکپارچه‌سازی «میراث مشترک» است که می‌توان از آن تعبیر به هویت کرد (ابوالحسنی، ۱۳۸۶: ۶).

پیشینه تحقیق

نیازی و جعفرپور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با موضوع «تبیین رابطه بین هویت‌های سه‌گانه فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی» به مطالعه شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳ پرداخته‌اند. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه ابعاد سه‌گانه هویت (هویت فردی، اجتماعی و ملی) با میزان پایبندی افراد به فرهنگ شهروندی در جامعه مورد مطالعه است. در این تحقیق نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، رابطه مثبت و معنی‌داری بین هر یک از متغیرهای هویت فردی، هویت اجتماعی، و هویت ملی با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی وجود دارد. با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه بر روی متغیرهای تحقیق، در مجموع، سه متغیر فوق ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین کرده است. قنبری، نوذر (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت دینی با پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه» پرداخته است. در این تحقیق با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش، به دنبال پاسخ به این سؤال بوده که آیا بین هویت ملی و هویت دینی با فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر کرمانشاه ارتباطی وجود دارد. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه هستند که تعداد ۳۸۴ نفر از آنها به‌عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از ارتباط بین تمامی متغیرهای مستقل و وابسته است. بدین صورت که بین گرایش به هویت ملی و گرایش به هویت دینی در ابعاد مختلف با پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط معنادار وجود دارد. مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳) در پژوهشی به «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر ارتقای فرهنگ شهروندی» (مورد مطالعه شهر بوشهر) پرداخته‌اند. این پژوهش درصدد شناسایی و بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقای فرهنگ شهروندی بوده است. از این منظر ضمن مروری بر فضای مفهومی موضوع از تئوری شهروندی پارسونز، مارشال، ترنر و هابرماس برای تبیین موضوع بهره گرفته شده است و با عنایت به فرضیاتی که از این تئوری‌ها اخذ شده درصدد شناسایی تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر ارتقای فرهنگ شهروندی بوده است، که با کاربرد روش پیمایش و استفاده از تکنیک پرسشنامه بر روی ۸۵۴ نفر از شهروندان شهر بوشهر از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای با سطح خطای ۰/۰۵ با ضریب اطمینان ۰/۹۵ انتخاب شده‌اند، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شده و نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است

که متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی، مسئولیت‌پذیری و رسانه بر ارتقای فرهنگ شهروندی تأثیر دارند، هم‌چنین متغیرهای قانون‌مداری، منافع جمعی، عام‌گرایی، رابطه معنی‌داری را با متغیر وابسته نشان ندادند. براساس مطالعه (شاه‌طالبی و قبانچی، ۱۳۹۲: ۱۴۷) اگر چه هویت ملی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی و تاریخی مؤلفه‌های عدیده‌ای دارد، اما بُعد فرهنگی، مهم‌ترین بعد آن قلمداد می‌شود؛ چرا که عناصر فرهنگی هویت ملی موجب انسجام سایر ابعاد می‌شود هویت ملی یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر شهروندی است.

شکل ۱: مدل نظری تحقیق



روش تحقیق

روش استفاده در این پژوهش «پیمایش» است، که به لحاظ هدف؛ توصیفی - تحلیلی، به لحاظ وسعت؛ بزرگ مقیاس، به لحاظ فرایند اجرا؛ مقطعی و به لحاظ متغیر؛ غیرآزمایشی تک‌گروهی بود. اعتبار پرسشنامه‌ی تحقیق، از نوع اعتبار صوری است. منظور از اعتبار صوری، میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۲۸۷). در این پژوهش، پرسشنامه‌ی تهیه شده در اختیار استاد راهنما و جمعی دیگر از متخصصان قرار گرفت تا ایرادات آن برطرف شود. در این مطالعه نیز برای بررسی قابلیت اعتماد ابزار سنجش (طیف‌ها) مورد استفاده

ازضرب آلفای کرونیباخ در دو مرحله‌ی پیش آزمون و پس آزمون (آزمون نهایی) استفاده شده است. در این تحقیق مقدار آلفای کرونیباخ فرهنگ شهروندی (۰/۷۸۳)، و مؤلفه‌های آن به ترتیب رفتارهای نوع دوستانه (۰/۷۴۹)، عام‌گرایی (۰/۶۰)، رفتارهای مدنی (۰/۸۳)، گرایش به پیروی از قانون (۰/۷۴۱)، مشارکت‌جویی (۰/۶۳)، مسؤولیت‌پذیری (۰/۶۶) و هم‌چنین متغیر مستقل و ابعاد آن به ترتیب هویت ملی (۰/۸۶)، بعد اجتماعی (۰/۶۴)، بعد سیاسی (۰/۸۰)، بعد فرهنگی (۰/۷۴۳)، بعد زبانی (۰/۷۰)، بعد تاریخی (۰/۷۲)، بعد دینی (۰/۷۴۸)، بعد جغرافیایی (۰/۷۶) به دست آمد.

جدول شماره‌ی ۳: نتایج تحلیل آلفای کرونیباخ متغیرهای وابسته و مستقل و ابعاد آنها در تحقیق

نام متغیر اصلی	تعداد گویه	تعداد پاسخگو	مقدار آلفای کرونیباخ
فرهنگ شهروندی	۲۷	۶۲۵	۰/۷۸۳
نوع دوستی	۵	۶۲۵	۰/۷۴۹
عام‌گرایی	۲	۶۲۵	۰/۶۰
رفتارهای مدنی	۶	۶۲۵	۰/۸۳
گرایش به پیروی از قانون	۶	۶۲۵	۰/۷۴۱
مشارکت‌جویی	۴	۶۲۵	۰/۶۳
مسؤولیت‌پذیری	۴	۶۲۵	۰/۶۶
هویت ملی	۳۸	۶۲۵	۰/۸۶
بعد اجتماعی	۶	۶۲۵	۰/۶۴
بعد سیاسی	۶	۶۲۵	۰/۸۰
بعد فرهنگی	۵	۶۲۵	۰/۷۴۳
بعد جغرافیایی	۵	۶۲۵	۰/۷۶
بعد زبانی	۴	۶۲۵	۰/۷۰
بعد دینی	۵	۶۲۵	۰/۷۴۸
بعد تاریخی	۷	۶۲۵	۰/۷۲

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل توصیفی: مطابق با داده‌های به‌دست آمده از جنس پاسخگویان، ۶۲/۷ درصد از کل پاسخگویان مرد و بیشترین درصد دارند. هم‌چنین ۳۷/۳ درصد از پاسخگویان زن و کمترین درصد را دارند. مطابق با داده‌های به‌دست آمده از سن پاسخگویان، محدوده‌ی سنی پاسخگویان ۱۸ سال به بالا بوده است، که ۳۷/۶ درصد از

آنها ۲۷-۱۸ ساله، ۴/۳۰ درصد از آنها ۲۸-۳۷ ساله و ۲/۱۸ درصد از آنها ۳۸-۴۷ و ۱۱ درصد ۴۸-۵۷ و ۷/۲ درصد نیز ۵۸ ساله و بالاتر بوده‌اند. کمترین سن برابر با ۱۸ سال و بیشترین سن ۵۸ سال بوده است. بیشتر پاسخگویان نیز در مقطع سنی ۲۷-۱۸ سالگی قرار دارند. میزان تحصیلات نشان‌دهنده‌ی میزان سال‌های اشتغال به تحصیل پاسخگویان است. ۵/۶۸ درصد را در این بررسی پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم داشته و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و ۵/۳۱ درصد پاسخگویان سطح تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم داشته و کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. وضعیت تأهل پاسخگویان نشان‌دهنده‌ی دو گروه از پاسخگویان مجرد (ازدواج نکرده) و متأهل (ازدواج کرده) است. ۵/۴۴ درصد از کل پاسخگویان مجرد و دارای کمترین فراوانی بوده‌اند. هم‌چنین ۵/۵۵ درصد از پاسخگویان نیز متأهل بوده و دارای بیشترین فراوانی می‌باشند. ۴/۵۴ درصد از کل پاسخگویان شاغل و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. هم‌چنین ۶/۴۵ درصد از پاسخگویان نیز غیر شاغل بوده و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها (آزمون کلموگروف - اسمیرنوف)

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده‌ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است.

جدول شماره ۴: آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها	هویت اجتماعی	هویت سیاسی	هویت دینی	هویت زبانی	هویت تاریخی	هویت جغرافیایی	هویت فرهنگی	فرهنگ شهروندی
کلموگروف - اسمیرنوف	۲/۹۸	۳/۴	۲/۹۷	۳/۵	۲/۷۸	۳/۴۲	۲/۹۹	۲/۵۴
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۲۳	۰/۸	۰/۲۵	۰/۸	۰/۰۹	۰/۱۷	۰/۱۴	۰/۱۳

با توجه به جدول شماره ۳ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ هستند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را بکار برد.

تجزیه و تحلیل استنباطی

- بین هویت ملی و ابعاد مختلف آن (هویت اجتماعی، هویت تاریخی، هویت جغرافیایی، هویت سیاسی، هویت دینی، هویت فرهنگی و هویت زبانی) با پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق مبنی بر ارتباط بین هویت ملی و ابعاد مختلف آن (هویت اجتماعی، هویت تاریخی، هویت جغرافیایی، هویت سیاسی، هویت دینی، هویت فرهنگی و هویت زبانی) با پایداری به فرهنگ شهروندی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر است.

جدول شماره ۵: همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

پایداری به فرهنگ شهروندی		شاخص‌ها	نام متغیر
ضریب همبستگی	سطح معناداری		
۰/۴۰۹	۰/۰۰۰	هویت اجتماعی	هویت ملی
۰/۳۸۲	۰/۰۰۰	هویت تاریخی	
۰/۳۸۶	۰/۰۰۰	هویت جغرافیایی	
۰/۴۰۸	۰/۰۰۰	هویت سیاسی	
۰/۳۷۰	۰/۰۰۰	هویت دینی	
۰/۴۴۶	۰/۰۰۰	هویت فرهنگی	
۰/۲۵۷	۰/۰۰۰	هویت زبانی	

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۵، می‌توان گفت که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۱ بین میزان کل هویت ملی و تمامی ابعاد آن با پایداری به فرهنگ شهروندی رابطه مثبت، مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. در این میان بین هویت فرهنگی و پایداری به فرهنگ شهروندی بیشترین ضریب همبستگی (۰/۴۴۶) و رابطه بین هویت زبانی و پایداری به فرهنگ شهروندی کمترین ضریب همبستگی (۰/۲۵۷) را دارد. از طرفی مقدار کل این رابطه که برابر با (۰/۴۷۹) است، به صورت مستقیم (مثبت) و در حد نسبتاً قوی است. بدین معنی که با بالا رفتن هویت ملی، میزان پایداری به فرهنگ شهروندی به نسبت قوی افزایش می‌یابد و بالعکس. بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند.

- تحلیل رگرسیون دو متغیره بین دو متغیر هویت ملی و میزان پابندی به

فرهنگ شهروندی

بر طبق جدول (۵)، مقدار به دست آمده F (۱۸۵/۰۹۳) که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنادار است، نشان می‌دهد معادله رگرسیون معنادار است. مقدار ضریب همبستگی ($R=0/479$) نشان می‌دهد که هویت ملی رابطه‌ی قوی و مستقیم با میزان پابندی به فرهنگ شهروندی افراد دارد، ضریب تعیین تعدیل شده ($R^{2.adg}$) نشان می‌دهد متغیرهای هویت ملی ۲۲/۸ درصد از تغییرات متغیر میزان پابندی به فرهنگ شهروندی را تبیین می‌کند. ضریب رگرسیون ($B=0/228$) نیز سهم متغیر مستقل را در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته مشخص می‌کند و هم‌چنین آماره‌ی t و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ برای آن نشان می‌دهد که متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر میزان پابندی به فرهنگ شهروندی داشته است. بررسی روابط ابعاد مختلف هویت ملی بر میزان پابندی به فرهنگ شهروندی نیز نشان می‌دهد که رابطه‌ی ۷ بعد (هویت اجتماعی، هویت تاریخی، هویت جغرافیایی، هویت سیاسی، هویت دینی، هویت فرهنگی و هویت زبانی) با میزان پابندی به فرهنگ شهروندی معنادار است.

جدول شماره ۶: رگرسیون دو متغیره بین هویت ملی و پابندی به فرهنگ شهروندی و ابعاد آن

Sig	T	Sig	F	B	$R^{2.adg}$	R	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۱۳/۶۰	۰/۰۰۰	۱۸۵/۰۹۳	۰/۲۲۸	۰/۲۲۸	۰/۴۷۹	فرهنگ شهروندی	هویت ملی
۰/۰۰۰	۱۱/۱۷۱	۰/۰۰۰	۱۲۴/۷۸۶	۰/۴۰۹	۰/۱۶۷	۰/۴۰۹		هویت اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۰/۲۹۱	۰/۰۰۰	۱۰۵/۸۹۶	۰/۳۸۲	۰/۱۴	۰/۳۸۲		هویت تاریخی
۰/۰۰۰	۱۰/۴۳۸	۰/۰۰۰	۱۰۸/۹۴۳	۰/۳۸۶	۰/۱۴	۰/۳۸۶		هویت جغرافیایی
۰/۰۰۰	۱۱/۱۲۶	۰/۰۰۰	۱۲۳/۷۸۶	۰/۴۰۸	۰/۱۶۶	۰/۴۰۸		هویت سیاسی
۰/۰۰۰	۹/۹۳۹	۰/۰۰۰	۹۸/۷۸۴	۰/۳۷۰	۰/۱۳۷	۰/۳۷۰		هویت دینی
۰/۰۰۰	۱۲/۴۰۵	۰/۰۰۰	۱۵۳/۸۸۹	۰/۴۴۶	۰/۱۹۹	۰/۴۴۶		هویت فرهنگی
۰/۰۰۰	۶/۶۲۱	۰/۰۰۰	۴۳/۸۳۹	۰/۲۵۷	۰/۰۶۶	۰/۲۵۷		هویت زبانی

الگوسازی معادلات ساختاری با کاربرد Amos graphics

در این قسمت به آزمون اعتبار سازه‌ای وسیله‌ی اندازه‌گیری و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر با استفاده از نرم‌افزار Amos با در اختیار داشتن داده‌های مربوط به متغیرهای برگرفته شده از فرضیه‌ها می‌پردازیم (قاسمی، ۱۳۸۴: ۷۳). مدل ذیل به آزمون اعتبار سازه‌ای متغیر مستقل هویت ملی با متغیر وابسته فرهنگ شهروندی و آزمون نیکویی برازش ساختار آن پرداخته است. در بخش اندازه‌گیری همچنان‌که از مدل برمی‌آید بیشتر معرف‌های متغیرهای مکنون به‌طور نسبتاً مناسب روی آنها بار شده و البته متغیرهایی که بار گویه‌ی پایینی داشته از معادله خارج شده‌اند. بخش ساختاری مدل نیز حاکی از آن است که متغیر هویت ملی (+۰/۲۲) از مقدار واریانس فرهنگ شهروندی را تبیین کرده است. شاخص‌های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده و اعتبار سازه‌ای وسیله‌ی اندازه‌گیری مورد بحث را نشان می‌دهد. کلیه‌ی شاخص‌های تطبیقی مدل نیز مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ را نشان می‌دهند که به معنای توان مدل از فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده برای آنها است. از آنجا که معیارهای $AGFI=0/904$ ، $TLI=0/944$ و $IFI=0/966$ نزدیک به یک می‌باشند، حاکی از برازش زیاد مدل و معیار $RMSEA=0/079$ ، حاکی از عملکرد ضعیف باقیمانده‌ها در مدل است.

جدول شماره‌ی ۷: نتایج بدست آمده از خروجی نرم افزار Amos

DF	P	Chi-square	AGFI	RMSEA	IFI	NFI	TLI	CMIN/DF
۱۹۴	۰/۰۰۰	۱۰۶۸/۴۳۱	۰/۹۰۴	۰/۰۷۹	۰/۹۶۶	۰/۹۶۰	۰/۹۴۴	۴/۸۶۳



روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه‌ی نمونه‌گیری
 در این پژوهش، تحلیل داده‌ها براساس دو روش آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. در این راستا، از نرم‌افزارهای spss و Amos Graphics استفاده شده است. جامعه

آماري در اين تحقيق كليهي مردان و زنان بالای ۱۸ سال کلان شهر شیراز در سال ۱۳۹۵ بودند. طبق سرشماری نفوس و مسکن، جمعیت کل کلان شهر شیراز با نه منطقه شهرداری در سال ۱۳۹۰، حدود ۱/۴۶۰/۶۶۵ نفر بوده است (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰) که در برآورد سال ۱۳۹۵ جمعیت کل این کلان شهر با ده منطقه شهرداری حدود ۱/۵۶۹/۵۳۴ نفر بوده است. و جمعیت بالای ۱۸ نفر در برآورد سال ۱۳۹۵ در ده منطقه شهرداری ۱۲۴۰۸۴۹ نفر بوده است. برای محاسبه حجم نمونه در جامعه‌های آماری بزرگ روش‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آنها استفاده از فرمول برای محاسبه حجم نمونه است. که مهم‌ترین آنها استفاده از فرمول محاسبه کوکران و یامانی است. یامانی (۱۹۶۷: ۸۸۶) یک فرمول ساده شده برای محاسبه حجم نمونه ارائه می‌دهد (میرزایی، ۱۳۸۸: ۱۸۹). در این تحقیق، براساس این فرمول با در نظر گرفتن سطح دقت e^2 با مقدار ۰/۰۴ تعداد حجم نمونه برابر با ۶۲۵ نفر محاسبه شد.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای مناسب با حجم بوده است. تصادفی بودن به این صورت است که هیچ ضابطه خاصی برای انتخاب نمونه‌ها وجود ندارد و تک‌تک نمونه‌ها به صورت کاملاً تصادفی مشخص می‌شوند و شانس مساوی و برابر دارند. در نمونه‌گیری طبقه‌ای، جامعه به طبقه‌های متفاوت طبقه‌بندی می‌شود و نمونه‌های تصادفی از میان آنها انتخاب می‌شود (کرلینجر، ۱۳۷۴: ۳۸۸). به شیوه نمونه‌گیری تصادفی افراد مورد نظر انتخاب شدند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه، بلکه یک موقعیت فعالانه است که به کمک مجموعه‌ی حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی را برای توزیع و اداره‌ی عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسؤولیت‌های زندگی اجتماعی ارایه می‌کند و بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه‌ی اساسی انسان‌ها را ارضا کند (قنبری، ۱۳۹۵: ۲۳). همان‌طور که ذکر شد امروزه دیگر بحث از شهروندی محض نیست و فرهنگ شهروندی نیز مورد توجه قرار دارد. فرهنگ شهروندی متأثر از سازهای انسان ساخت و جمعی است که الزاماتی را در قالب ارزش‌ها و هنجارها به زندگی انسانی وارد ساخته است، این الزامات اگرچه در طول تاریخ یکسان نبوده ولی سیر تاریخی مفهوم فرهنگ شهروندی نشان دهنده‌ی وابستگی معنا و مصداق فرهنگ به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و

اقتصادی شهروندی بوده است (شاه‌طالبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۹). بر این مبنای احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل دهنده هویت فرد است که با ارجاع به مفهوم، می‌توان شهروندی مؤلفه‌های آن را شناسایی کرد. با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ شهروندی و ارتباط هویت ملی با آن، مقاله حاضر به دنبال بررسی ارتباط بین هویت ملی و فرهنگ شهروندی در شهر شیراز است. در این تحقیق، رابطه بین هر یک از متغیرهای هویت ملی با میزان پایداری شهروندان به فرهنگ شهروندی تأیید شده است. در این ارتباط، ضریب همبستگی پیرسون در رابطه با هر یک از متغیرهای فوق به ترتیب برابر وجود همبستگی مثبت و معنی‌دار متغیرهای فوق با متغیر وابسته تحقیق در سطح اطمینان درصد را نشان داده است. هم‌چنین، نتایج تحلیل رگرسیون دو متغیره بین دو متغیر هویت ملی و میزان پایداری به فرهنگ شهروندی با مقدار ضریب همبستگی ($R=0/479$) نشان می‌دهد که هویت ملی رابطه‌ای قوی و مستقیم با میزان پایداری به فرهنگ شهروندی افراد دارد. در مجموع، نتایج پژوهش حاضر با مباحث نظری صاحب‌نظران و نتایج پژوهش‌های محققان در این رابطه قرابت و همخوانی دارد. از یکسو علاوه بر این، رابطه بین هویت ملی با فرهنگ شهروندی و پایداری شهروندان نسبت به مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در تحقیقات بسیاری از محققان تأیید شده است. به گونه‌ای که شاه‌طالبی و قپانچی (۱۳۹۱) هویت ملی را یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر شهروندی دانسته‌اند. هم‌چنین، نتایج تحقیقات کاستلز و السیتر (۱۳۸۲)، گروسمن (۲۰۰۰)، جانوسکی و همکاران (۲۰۰۴) بیانگر آن است که شهروندی از یک‌سو به شهر با هویت شهری تعلق دارد و از دیگر سو با هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رابطه مستقیم دارد. پژوهش‌های نیازی و جعفرپور (۱۳۹۳)، قنبری، نوذر (۱۳۹۵)، سلیمیان، سهیل (۱۳۹۶) حاکی از ارتباط بین تمامی متغیرهای مستقل و وابسته می‌باشد. بدین صورت که بین گرایش به هویت ملی در ابعاد مختلف با پایداری به فرهنگ شهروندی ارتباط معنادار وجود دارد. کر و کلیور (۲۰۰۴) نیز معتقدند شهروندی و تربیت شهروندی تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون هویت و تعلق ملی و محلی، قرار می‌گیرد. پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۸۹) هویت جمعی را به‌عنوان یکی از عوامل تبیین‌کننده هویت شهروندی معرفی کرده است. نتایج تحقیق هاشمیان‌فر و عجمی (۱۳۹۱) رابطه مستقیم هویت اجتماعی افراد و فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه را نشان داده است. با توجه به نتایج به دست آمده از این بررسی،

به طور کلی پیشنهادات و راهکارهای زیر جهت تقویت و گسترش فرهنگ شهروندی و هویت ملی ارائه می‌شود. ضرورت بازآموزی تعالیم اخلاقی و فرهنگ شهروندی از طریق برنامه‌ریزی‌های علمی و فرهنگی و هم‌چنین بازبینی و بازتولید فرهنگ شهروندی با توجه به تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از نتیجه این پژوهش چنان بر می‌آید که هویت ملی در بین مردم جایگاه نسبتاً مناسبی دارد.



منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۶): «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی»، *فصلنامه سیاست*، دانشکده حقوق و سیاست، دانشگاه تهران، ش ۲، صص ۲۲-۱.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۰): *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بیکر، تریال (۱۳۸۶): *نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۲): *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی، ج ۸.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹): «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۱۷۹.
- روشه، گی (۱۳۷۶): *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات تبیان، چاپ اول.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۹۰): *روش تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: نشر آگه، ج ۲۱.
- سلیمیان، سهیل (۱۳۹۶): «بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی در شهر تهران»، *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی*، شوشتر، س ۱۱، ش ۳، پیاپی (۳۹)، ۱۵۴-۱۳۱.
- شاه‌طالبی، بدری؛ قبانچی، اکرم (۱۳۹۲): «تأثیر آموزش‌های شهروندی بر افزایش آگاهی شهروندی کودکان هشت ساله شهر اصفهان با تأکید بر نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای»، *فصلنامه اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، س ۱، ش ۳، صص ۱۵۰-۱۲۹.
- شربتیان، محمدحسن (۱۳۸۷): «تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن»، *فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی*، س ۲ و ۳، ش ۹ و ۸، صص ۱۵۴-۱۱۹.
- صمدی، لیلا (۱۳۸۲): «قانون‌گرایی و راهکارهای آن»، *نشریه سپیده*، ش ۳۵.
- صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۸۴): *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران، مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۰): «تعامل جهانی‌شدن، شهروندی و دین»، *نامه علوم اجتماعی*، س ۹، ش ۱۸، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، صص ۱۷۵-۱۵۰.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۴): بحران هویت و هویت جمعی دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، *نامه انجمن جامعه‌شناسی*، مجموعه مقالات شماره یک: ۷۰.
- فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۷): «فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۷، ش ۲۶، صص ۳۵-۵۸.
- فتحی‌واجارگاه، کوروش؛ ذهبیون، شهلا (۱۳۸۸): شهروند الکترونیکی، *فصلنامه تخصصی مدارس کارآمد*، س ۳، ش ۱.
- قنبری، نوذر (۱۳۹۵): «بررسی رابطه بین هویت ملی و هویت دینی با پایداری به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، س ۶، ش ۱۹، صص ۲۰۴-۱۷۵.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰): *عصر اطلاعات (قدرت هویت)*، ترجمه حسن چاوشیان و دیگران، ج ۲، تهران: انتشارات طرح نو، چاپ اول.
- کیشانی‌فراهانی، عزت‌الله؛ فرمهبینی‌فراهانی، محسن؛ رهنما، اکبر (۱۳۹۲): «مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۴، ش ۴، صص ۷۴-۵۱.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱): *جهانی‌شدن فرهنگ*، هویت، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۲۲۵.

- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵): «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی»، *نامه پژوهش*، ش ۱.
- مهدوی، محمدصادق؛ عاشوری، علی (۱۳۹۳): «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر ارتقای فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه شهر بوشهر)»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی*، س ۶، ش ۴، صص ۵۰-۳۶.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳): *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، چاپ اول.
- میرزایی، خلیل (۱۳۸۸): *پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه‌نویسی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- میرفردی، اصغر (۱۳۸۸): «عام‌گرایی و زمینه‌های تأثیرگذار بر آن در مناطق درحال توسعه: مطالعه مورد شهر یاسوج»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، س ۹، ش ۱.
- میلر، دیوید (۱۳۸۳): *ملیت*، ترجمه داوود غرایق‌زندی، تهران: موسسه مطالعات ملی، چاپ اول.
- نجاتی‌حسینی، محمود (۱۳۸۳): «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره تابستان.
- نیازی، محسن؛ جعفرپور، مرتضی (۱۳۹۳): «تبیین رابطه بین هویت‌های سه‌گانه فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایداری شهروندان به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، س ۶، ش ۴، صص ۸۶-۷۱.
- هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ عجمی، شهرزاد (۱۳۹۱): «بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیهای شهر اصفهان»، *فصلنامه مطالعات شهری*، س ۲، ش ۳، صص ۲۳۰-۲۰۹.
- همتی، رضا؛ احمدی، وکیل (۱۳۹۲): «عنوان تحلیل جامعه‌شناختی از فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن مورد مطالعه شهر ایوان»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۱۸، صص ۱۸۶-۱۴۰.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۸۸): «بازخوانی نظریه‌ها و فرهنگ شهروندی: فهم روندها و چشم‌اندازها»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، س ۱۱، ش ۲۰، صص ۴۰-۱۱.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰)، «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۸، س ۲، صص ۴۲-۱۱.
- Dahlgren P. (2009); *Media and political engagement*. Citizenship -- communication and democracy. New York: Cambridge University Press.
- Janoski, T. (1998); *Citizenship and Civil Society*, Cambridge, University, Press.
- UNESCO Institute for Education (2004); *Culture of Citizenship: A Culture of Citizen action and commitment*", Working document. Available at: <www.education.unesco.org/uie